

تاریخ

۱ تاریخ

۲ فلسفه تاریخ

۳ فلسفه نظری تاریخ

۳,۱ تاریخ رده‌بندی شده برپایه مکان

۳,۲ تاریخ رده‌بندی شده برپایه زمان رخداد

۳,۳ رده‌بندی دانشگاهی

۳,۴ رده‌بندی‌های دیگر

۳,۵ رده‌بندی‌های مکتبی

۴ پانویس

۵ جستارهای وابسته

۶ پیوند به بیرون

تاریخ

تاریخ از دیدگاه واژگانی به واژه‌ای اطلاق می‌شود که شامل اطلاعاتی راجع به گذشته است. مانند تاریخ زمین‌شناسی کره زمین. زمانیکه تاریخ به عنوان یک زمینه و رشته بررسی و تحصیل مطرح می‌شود به معنای **تاریخ بشری** است که گذشته ثبت شده جوامع بشری است. واژه تاریخ از واژه پارسی ماهروز آمده که این واژه (ماهروز) پس از وامگیری از سوی عربی به شکل مورخ درآمد و از پس از صرف شدن در دستگاه بابهای عربی ریشه آرخ و سپس واژه تاریخ از آن مشتق شده است. تاریخ‌نگاران از منابع گوناگونی همچون پیشینه‌های نوشته یا چاپ شده؛ مصاحبه (تاریخ شفاهی) و باستان‌شناسی بهره می‌گیرند. اشتراک در گوناگونی روشها ممکن است در برخی دوره‌ها بیش از سایر دوره‌ها باشد و مطالعه تاریخ رسم و رسوم و شیوه ویژه خودش را دارد. (تاریخ‌شناسی؛ تاریخ تاریخ؛ را مشاهده کنید). به رویدادهایی که پیش از نگارشهای انسانها رخ داده اند؛ پیشاتاریخ یا ماقبل تاریخ گفته می‌شود.

نام فلسفه تاریخ (Philosophy of history)، در قرن هیجدهم میلادی، توسط ولتر (Voltaire) وضع شد. منظور وی از این اصطلاح، چیزی بیش از تاریخ انتقادی و علمی نبود؛ یعنی نوعی از تفکر تاریخی که در آن، مورخ به جای تکرار داستان‌هایی که در کتب کهن می‌یابد، خود به بازسازی آنچه واقع شده می‌پردازد. این نام توسط هگل و نویسندگانی دیگر، در پایان قرن هیجدهم به کار رفت، ولی آنها معنای کاملاً متفاوتی از این اصطلاح اراده کردند و آن را به معنای تاریخ کلی یا جهانی به کار بردند. سومین کاربرد این اصطلاح را در نوشته‌های برخی از پوزیتویست‌های قرن نوزدهم می‌یابیم. از نظر آنها وظیفه فلسفه تاریخ، کشف قوانین عامی بود که بر روند رویدادهایی که مورخ به شرح و نقل آنها می‌پردازد، حاکم است. وظایفی که ولتر و هگل بر عهده فلسفه تاریخ می‌نهادند، به وسیله تاریخ نیز قابل انجام بود ولی پوزیتویست‌ها تلاش کردند تا از این طریق، تاریخ را نه فلسفه بلکه علمی تجربی قلمداد کنند. در هر یک از این موارد کاربرد فلسفه تاریخ مفهوم خاصی از فلسفه مد نظر بود.

فلسفه نظری تاریخ

فلسفه نظری تاریخ، در اواخر قرن هجدهم و نوزدهم میلادی، با بصیرت‌هایی که درباره تاریخ جهان به وسیله نویسندگانی چون «ویکو» (Vico)، «کانت» (Kant)، «هگل» (Hegel)، کنت (Kont) و مارکس (Marx) حاصل شد، به بالاترین شکوفایی‌اش رسید. در عصر حاضر، اقبال به این نوع فلسفه تاریخ، تا اندازه‌ای در بین فیلسوفان، کاهش یافته است. «فلسفه تاریخ»^۱ عبارتی مبهم است. این ابهام ناشی از دو معنای متفاوتی است که معمولاً از واژه‌ی «تاریخ» اراده می‌شود و به تبع این دو معنا، واژه‌ی «فلسفه» در این عبارت، دو معنای مختلف، پیدا می‌کند و اصطلاح «فلسفه‌ی تاریخ» نیز، برای اشاره به دو معرفت مختلف، به کار می‌رود. دو معنای واژه‌ی «تاریخ» عبارتند از:

- ۱- جریان ریدادهای گذشته، یعنی لایه‌ی خاصی از واقعیت که مورخان مطالعه آن را حرفه تخصصی خویش، قرار داده‌اند؛
- ۲- مطالعه مورخ، یعنی نوع خاصی از پژوهش در موضوعی خاص^۲ فلسفه تاریخ در این دو معنای متفاوت واژه، غالباً به ترتیب نظری (Speculative) و انتقادی (Critical) نامیده شده است. ۳ هدف فیلسوف نظری و تاریخ، این است که در رویدادهای گذشته، الگو یا معنایی کلی، کشف کند که در ورای حوزه متعارف مورخ قرار دارد. ۴ هدف فیلسوف انتقادی، این است که ماهیت پژوهش تاریخی را آشکار کند، یعنی با مشخص کردن جایگاه آن در نقشه معرفت و پیش فرض‌های اساسی، مفاهیم نظام دهنده و روش تحقیق آن را روشن کرده و مورد بررسی قرار دهد. ۵ در واقع، سؤال اساسی که فلسفه انتقادی

تاریخ، در پاسخ به آن پدید آمد، این است که آیا به همان معنایی که فیزیک، زیست‌شناسی و روان‌شناسی یا حتی علوم کاربردی مانند مهندسی، عموماً علمی خوانده می‌شود؟ آیا پژوهش تاریخ، علمی است یا نه؟ اگر تاریخ، بدین معنا علمی است یا در هر حال، باید علمی باشد، نیازی به نقد فلسفه خاصی از پژوهش تاریخی نخواهد بود. گروهی از فیلسوفان، بدون اینکه کاملاً انکار کنند که پژوهش تاریخی، ممکن است ویژگی‌های مفهومی و روش‌شناختی خاصی داشته باشد، استدلال می‌کنند که هیچ یک از این ویژگی‌ها به اندازه کافی، اساسی نیست تا نقد جداگانه ادعاهای معرفتی مورخان را توجیه کند. کسانی که این دیدگاه را دارند، پوزیتیویست خوانده شده‌اند و مخالفان آنها را نیز ایده‌آلیست نامیده‌اند. ۶

اما اگر هدف فلسفه انتقادی تاریخ، روشن ساختن ماهیت پژوهش تاریخی است، نخستین سؤالی که باید به آن پاسخ داد، این است که: پژوهش تاریخی، درباره چیست؟ و به تعبیری، موضوع علم تاریخ، چیست؟ در واقع، تفاوت یک علم از علم دیگر، آگاهی در موضوعی است که آن علم، مورد پژوهش قرار می‌دهد. پژوهش تاریخی، درباره گذشته است، به عبارتی موضوع علم تاریخ، رویدادهای گذشته است. اما این پاسخ، بسیار کلی است. به بیان مشخص‌تر، پژوهش تاریخ، درباره گذشته انسان است. این تحدید دامنه‌ای است که برخی از فیلسوفان مانند «کالینگوود» (Collingwood) کم و بیش، اصل قرار

داده‌اند، زیرا مفاهیم و روش‌هایی که مورخان، معمولاً به کار می‌برند، همواره بر رویدادهای طبیعی، قابل اطلاق نیست. اما باز، بنابر ادعای کالینگوود، آنچه که مورخان، درباره انسان‌های مورد مطالعه‌شان دقیقاً با آن سر و کار دارند، حالات آنها نیست، بلکه افعال آنها می‌باشد. ۸ بنابراین، می‌توان گفت موضوع علم تاریخ، افعال انسان‌هاست که در گذشته واقع شده است (the Past Kesthae: actions of human beings that have been done in) محدودیت دامنه

بیشتری که باز، گاهی بر آن تأکید می‌شود، این است که هر چند تاریخ، با افعال انسان‌ها سر و کار دارد، فی‌نفسه به آنها اهتمام ندارد. همانطور که «موریس مندلبوم» (Mondelboum Maurice) اشاره کرده است عمل، دقیقاً موضوع پژوهش تاریخی قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه معنا و اهمیت اجتماعی (Significance Societal) داشته باشد. ۹

اگر تاریخ، به آن دسته از افعال گذشته انسان اهتمام دارد که معنا و اهمیت اجتماعی دارند، ماهیت این اهتمام چیست؟ یک پاسخ روشن این است: پی بردن به اینکه، آن افعال چه بوده‌اند؛ به عبارتی، احراز واقعیات. اما در همین جاست که اولین سؤالات فلسفه انتقادی تاریخی، سر بر می‌آورند، زیرا مطمئناً وظیفه‌ی مورخ، تنها این نیست که واقعیات را احراز کند، بلکه باید آنها را قابل فهم نیز بگرداند؛ و این، گاهی اوقات ایجاب می‌کند که آن واقعیات، تبیین شوند و گفته شد که این، غالباً به معنای ذکر علل وقوع آنهاست. اما در این که مورخان، مدعی‌اند به فهم، دست یافته‌اند، تبیین‌هایشان چه شکلی به خود

می‌گیرد و تلقی آنها از تبیین رضایت بخش چیست؟ طبیعتاً می‌توان پذیرفت که ماهیت موضوعی که مورخان برای پژوهش برگزیده‌اند، تا اندازه قابل ملاحظه‌ای این را مشخص می‌کند.

در ویکیپدیا اطلاعات تاریخی بسیار زیادی وجود دارد و برخی شیوه‌های رده‌بندی آنها در زیر آمده است.

تاریخ رده‌بندی شده برپایه مکان

- آسیا* خاور میانه
- افریقا
- امریکای شمالی و لاتین
- اروپا
- اقیانوسیه
- جنوبگان

تاریخ رده بندی شده برپایه زمان رخداد

- سده‌های هجری خورشیدی
- سده‌های میلادی
- دهه ها
- مرور یک سال
- دوره بندی
- فهرست دوره‌های زمانی نامگذاری شده
- فهرست خط زمانی‌ها

رده‌بندی دانشگاهی

- ماقبل تاریخ
- تاریخ باستان
- تاریخ مدرن ؛ شامل تاریخ مدرن اولیه

- تاریخ اسلام
- تاریخ مسیحیت
- تاریخ یهودیت
- تاریخ امریکای باستان
- تاریخ اروپای سده‌های میانه
- تاریخ اروپا
- تاریخ افریقا
- تاریخ امریکای لاتین
- تاریخ آسیا
- تاریخ خاور میانه
- تاریخ استرالیا (استرالیا ؛ گینه نو ؛ میکرونزی ؛ ملانزی ؛ پلی نزی)

رده‌بندی‌های دیگر

- فلسفه تاریخ
- تاریخ هنر
- زندگی‌نامه‌ها
- تاریخ سینما
- جنبش‌های فرهنگی
- مطالعات اجتماعی یهودیان
- تاریخ اقتصادی
- تاریخ تفکر اقتصادی
- تاریخ کشورها و ملل منقرض شده
- تاریخ روشنفکری
- تاریخ رسمی

- ریز تاریخ
- تاریخ ادبیات
- تاریخ ریاضیات
- تاریخ پزشکی
- تاریخ نظامی
- تار ی فلسفه
- تاریخ عقاید
- تاریخ روانشناسی
- تاریخ کشورها و ملل امروزی
- تاریخ دینها
- تاریخ دانش و فناوری
- تاریخ نمایش
- تاریخ بیماریهای روانی
- تاریخ نگاری

رده‌بندی‌های مکتبی

اگر چه تاریخ نگاری خالی از تعصب وجود ندارد^{[۱]*} (که معمول‌ترین نوع آن تعصب ملی است)، گاهی تاریخ می‌تواند از نظرگاه‌ها و دریچه‌های تنگ ایدئولوژیک مورد مطالعه قرار گیرد. پیروان این ایدئولوژیها اعتقاد دارند که نسبت به نگرش تاریخی آنان بی‌مهری شده و هرآینه این نگرش تاریخی مهجور نگه‌داشته شده است. برای نمونه:

- تاریخ مارکس گرایی
- تاریخ فمینیسم

نوعی از ژرف اندیشی تاریخی نیز وجود دارد که اصطلاحاً به آن تاریخ معنوی گفته می‌شود. این مقوله توسط تاریخ نویسانی مطرح شده که بررسی و ارزیابی می‌نمودند که اگر برخی از رویدادهای ویژه اتفاق نمی‌افتاد و یا به شکل دیگری رخ می‌داد؛ چه می‌شد.